

## حکمت و سیاست صدرایی

فلسفه در قلمرو هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی بنیادهای اساسی سایر علوم را می‌سازد. هرچند فلسفه اسلامی عمدتاً بر هستی‌شناختی تمرکز دارد، واقعیت آن است که از ظرفیت چشمگیری و سرچشمه‌های جوشانی در دو قلمرو دیگر نیز برخوردار است. اما این واقعیت، غفلت تاریخی از عدم بنیان‌گذاری علوم طبیعی و انسانی بر پایه‌های فلسفی اسلامی را توجیه نمی‌کند. با تنقیح مبانی فلسفی نظریه و نظریه‌پردازی در رشته‌های گوناگون علوم طبیعی و انسانی با رویکرد اسلامی یکی از گام‌های اساسی نظریه‌پردازی انقلابی برداشته خواهد شد. علوم سیاسی از جمله قلمروهای علوم انسانی است که در تبیین عقلانی موضوعات اساسی خود به نظام‌های فلسفی ابتدای فراوان دارد و از این جهت حکمت صدرایی که علاوه بر هستی‌شناسی - به دلیل اشراق از مبانی عرفانی - به صورت طبیعی به نظریه‌پردازی انسان‌شناسانه نیز پرداخته است، از ظرفیت‌های متفاوت و تازه‌ای برخوردار است.

حکمت صدرایی امروزه، یکی از پرطرف‌دارترین مکاتب فلسفی اسلامی است که شمار زیادی را به دور خود گرد آورده و در حال حاضر تداوم‌بخش حیات فلسفی در جهان اسلام و ایران است. متفکران بنامی را می‌توان شمرد که در شمار شارحان و



مفسران این حکمت نوپدید بوده‌اند. با وجود این، متأسفانه، آنچنان که باید تمامی زوایای حکمت متعالیه، به‌ویژه وجوه سیاسی آن، کاویده نشده است.

در حالی که برخی از اظهار نظرها به فقدان اندیشه و فلسفه سیاسی در آثار و فکر صدرا و حکمت متعالیه حکم می‌کند، اما غالب این اظهار نظرها درباره ابعاد سیاسی حکمت متعالیه فاقد استنادهای روشن و دقیق و قابل اعتنا است. در این میان، شارحان و مفسران حکمت متعالیه نیز به دلایل مختلف توجهی به بسط مباحث سیاسی این حکمت نداشته و بیشتر به شرح و بسط متن پرداخته‌اند. مهم‌تر اینکه هیچ‌کدام از آثار صدرالدین شیرازی تا کنون از منظر فلسفه سیاسی تحلیل نشده‌اند. بر این مجموعه باید محدودیت‌ها و تضيیقات مرسوم جامعه علمی و نظام‌های سیاسی حاکم در پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بر اصحاب دانش و معرفت را نیز افزود که در نتیجه آن مجالی برای طرح مباحث فلسفه سیاسی به وجود نیامده است. در نهایت اینکه اظهار نظرها درباره حکمت سیاسی متعالیه، همراه با حب و بغض و نفرت و شیفتگی و دل‌بردگی بوده است.

حکمت صدرایی به‌ویژه حکیمان متأخر آن از جمله امام خمینی، علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری رضوان الله علیهم در این عرصه به شایستگی گام‌های درخوری برداشته‌اند. تحلیل فلسفی صدرایی از علوم حقیقی و اعتباری به علاوه تبیین فلسفی صدرایی از جامعه و تاریخ در آثار متعدد علامه طباطبایی و شهید مطهری و نیز نظریه پردازی ابداعی و متأثر و متناظر با واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی معاصر ایران از سوی امام (ره) و برخی شاگردانش، از جمله حضرات آیات جوادی آملی و مصباح یزدی، در چارچوب حکمت صدرایی و با رویکرد عرفانی، از خدمات اساسی حکمت صدرایی به سیاست و علوم سیاسی در دوران معاصر ما است.

البته بر ریشه‌ها و تنه تنومند حکمت صدرایی باید بیش از این برگ و بار می‌نشست. به نظر می‌رسد دانش‌آموختگان میان‌رشته‌ای می‌توانند در قلمرو هر یک از علوم مبتنی بر حکمت صدرایی، نظریات علمی ابداع کنند.

نظریه پردازی علمی غیرمبتنی بر پایه‌های فلسفی، ساخت و ساز علمی بر

بی‌پایگی و مساوق با ویرانی است و بالطبع کاری بی‌فایده خواهد بود و این دقیقاً همان تهدیدی است که نظریه‌پردازی علمی با رویکرد دینی در دوران معاصر باید از آن بگریزد. از سوی دیگر واقعیت دیگر آن است که خدمات فلسفه به علوم انسانی و سیاست فقط جاده یک طرفه نیست. سیاست و علوم سیاسی چونان همه عرصه‌های دیگر علوم می‌تواند موضوعات شایسته نظریه‌پردازی فلسفی را پدید آورد. این خدمات متقابل که از نیازهای متقابل خبر می‌دهد، می‌تواند زمینه‌ها و عرصه‌های جدی و جدیدی را برای نوآوری‌های علمی فراهم سازد. به نظر می‌رسد در چارچوب فرهنگ و معارف اسلامی کارهای زیادی باید برای دانش‌آفرینی سامان داد. کار نشده بسیار فراوان‌تر از کارهایی است که تحقق یافته است.

اما و در هر صورت این شماره پژوهش و حوزه، به هدف همراهی با همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» به موضوع سیاست و حکمت صدرایی اختصاص یافت. امید است که بتوانیم در راهی که برگزیده‌ایم، به برنامه‌ریزی و مدیریت پژوهش در حوزه‌های علمیه مدد رسانیم.

بر خود لازم می‌دانیم برپاکنندگان این همایش علمی را دست‌مریزاد گفته، از همکاری خالصانه ایشان - به‌ویژه فاضل ارجمند جناب آقای شریف لک‌زایی - به پاس همراهی ویژه در تأمین محتوای این شماره مجله، تشکر کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی